

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رسایف

سال هفدهم، شماره ۶۳، تابستان ۱۴۰۲
صفحه ۱۹۳ تا ۲۱۴

تأثیر رویکرد اقتصادی عدالت محور احمدی نژاد بر تأمین عدالت اجتماعی

فاطمه جعفریان / دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. jafariyan.f@chmail.ir

علیرضا سلطانی / استادیار گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ali.soltani@iauctb.ac.ir

مجتبی مقصودی / دانشیار علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
مرتضی نبوی / استادیار علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

عدالت در طول تاریخ در اندیشه مکاتب و فیلسوفان گوناگون معانی متفاوتی داشته است این تحقیق با تطبیق دو مفهوم از عدالت یعنی عدالت اجتماعی رالز و عدالت نئولیبرالی فریدمن و هایک با شعارها و عملکرد دولت احمدی می خواهد با روش تحلیلی و توصیفی به این سؤال پاسخ دهد که آیا دولت‌های نهم و دهم که با شعار تأمین عدالت اجتماعی روی کار آمدند توانستند در نهایت به اهداف خود رسیده و عدالت اجتماعی را برقرار سازند؟ فرضیه این پژوهش این است که در نهایت علی رغم شعار عدالت اجتماعی در نهایت احمدی نژاد نیز همانند دولت‌های پیشین خود به سیاست‌های نئولیبرالی ادامه داده و نتوانسته به شعار عدالت اجتماعی جامه عمل بپوشاند. آنچه که با توجه به بررسی سیاستها و آثارها مشخص شد این است که هرچند سیاست‌هایی مقطعی و کم اثر همچون مسکن مهر در راستای عدالت اجتماعی به کار گرفته شد اما در نهایت این سیاستها به دلیل ضعف کارشناسی و عدم تلاش برای تغییر ریل اقتصادی نتوانستند اهداف این دولت را محقق سازند و اگرچه در بعضی سالها به شکلی مقطعی شاخص‌هایی چون ضریب جینی را تغییر دادند اما در نهایت دولت دهم با شاخص‌های منفی از نظر عدالت اجتماعی به کار خود پایان داد

کلیدواژه: عدالت اجتماعی، نئولیبرالیسم، احمدی نژاد، اقتصاد سیاسی، تعدیل اقتصادی

تاریخ تأیید ۱۴۰۲/۰۴/۲۳

تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

مقدمه

سیاست اقتصادی دولت‌های پس از انقلاب از جهت میزان و نوع توجه به عدالت تفاوت‌های زیادی با یکدیگر داشته است در دهه نخست پس از انقلاب جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک و وقوع جنگ هشت ساله موجب مداخله همه جانبه دولت در اقتصاد شده و اقتصاد دولتی با سیاست‌های بازتوزیع‌ای در این دوره شکل گرفت سیاست‌هایی که برقراری عدالت اجتماعی را مدنظر داشتند پس از پایان جنگ دولت هاشمی سیاست‌هایی متفاوت با دهه نخست انقلاب در پیش گرفت. هاشمی رفسنجانی با اجرای سیاست‌هایی با هدف رشد و توسعه اقتصادی و تقویت بخش خصوصی و همچنین برقراری پیوند‌های جدید با نهادهای اقتصادی و مالی دنیا مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تلاش کرد تحولاتی در حوزه اقتصاد به وجود آورد سیاست‌های این دوره که با فرمان نهادهای مالی بین‌المللی صورت گرفت اصلاحاتی نئولیبرالی و فارغ از توجه به عدالت اجتماعی بود سیاست‌هایی که در دوره هشت ساله دولت خاتمی نیز تکرار شد و باعث شد تاکید بر عدالت اجتماعی به برگ برنده احمدی‌نژاد بدل شده او را در مقام ششمین رئیس‌جمهور ایران پس از انقلاب مسئول تشکیل دولت نهم و سپس دهم کند بازگشت به آرمان‌های اولیه انقلاب و عدالت خواهی در دستور کار رئیس‌جمهور جدید قرار گرفت احمدی‌نژاد در حالی در عرصه سیاست ایران ظاهر شد که عدالت و سیاست‌های باز توزیعی از اهداف عمده و اصلی دولت وی بوده و سیاست‌هایی را برای دستیابی به این اهداف در پیش گرفت. احمدی‌نژاد دولت خود را دولت عدالت محور نامید و برقراری عدالت اجتماعی را شالوده اصلی برنامه‌های خود قرار داد اما در این میان مانعی بزرگ در رسیدن به این هدف وجود داشت، ساختارهای نئولیبرال و ریل گذاری اقتصادی نئولیبرالیستی شکل گرفته در دولت‌های گذشته تغییر این ساختارها نیازمند توجه به نظریه‌های علمی و برنامه‌ها دقیق و بنیانی بود موضوعی که احمدی‌نژاد توجه زیادی به آن نداشت. آنچه در نهایت به عنوان حاصل و نتیجه شعارهای عدالت خواهانه پس از هشت سال به بار نشسته و مشاهده شد عدم برقراری عدالت اجتماعی بود و این دلیلی جز حاکم بودن روح سیاست‌های نئولیبرالیستی بر تصمیمات و طرح‌های اقتصادی دولت وی نداشت. و در واقع می‌توان گفت ادامه دادن به سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال به همراه اعمال سیاست‌های اقتصادی غیرعلمی موجب شد که دولت احمدی‌نژاد نتواند به اهداف عدالت اجتماعی خود دست یابد در این مقاله به بررسی سیاست‌های اقتصادی دولت‌های نهم و دهم پرداخته و نتایج این سیاست‌ها بر عدالت اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد به امید اینکه چنین تحقیقاتی بتواند توجه سیاست‌گذاران کنونی و آینده را به بنیادها و ساختارهای ناعادلانه اقتصاد ایران جلب

نموده و ضرورت توجه علمی به موضوع اقتصاد و تغییر ساختارهای اقتصادی را به آنها گوشزد نماید تا در نهایت هدف اصلی انقلاب اسلامی یعنی رسیدن به عدالت اجتماعی حقیقی مجال تحقق بیابد.

مبانی نظری

عدالت در طول تاریخ موضوع اندیشه فلاسفه و اندیشمندان زیادی بوده و به طبع کثرت اندیشه ورزی در این حوزه نظریات متفاوتی در این زمینه مطرح شده است که دارای ابعاد و وجوه گوناگونی می باشد نظریاتی که عدالت را در جنبه های متفاوت زندگی بشر مورد بررسی قرار داده اند. در این مقاله دو نگاه متفاوت به عدالت مورد توجه قرار گرفته است اول عدالت نئولیبرالی فریدمن و هایک و دوم عدالت اجتماعی رالز.

بزرگترین نماینده اندیشه نئولیبرالی فریدمن می باشد. فریدمن در کتاب سرمایه داری و آزادی در توصیف عدالت لیبرالی که به آن معتقد است می نویسد: فرد لیبرال از یک طرف بین برابری حقوق و برابری فرصت ها و از طرف دیگر، برابری مادی یا برابری بازده، به صراحت تمایز قائل می شود. او ممکن است در قبال این موضوع که جامعه آزاد در حقیقت از هر جامعه دیگری که تاکنون ایجاد شده به سوی برابری مادی بیشتر گرایش دارد از خود حسن نیت نشان دهد. اما این موضوع را از دستاوردهای مطلوب جامعه آزاد می داند نه دلیل اصلی حقانیت آن او در جایی دیگر اقدامات تأمین اجتماعی دولت را اقداماتی مضر می داند که معمولاً به نتیجه مطلوب نمی رسد او لیست این اقدامات را اینگونه بیان می کند: مجموعه واحد از این رشته تدابیر، برنامه ای است که عنوان غلط انداز «تأمین اجتماعی» به آن داده شده است. عبارت است از خانه سازی عمومی، قوانین حداقل دستمزد، مقررات مربوط به حمایت از قیمت محصولات کشاورزی، خدمات پزشکی برای گروه های خاص، برنامه های امدادی ویژه و غیره (فریدمن، ۱۳۹۵: ۲۱۷).

هایک اندیشمند دیگری است که اندیشه های او بر نئولیبرالیسم فریدمن تاثیرگذار بوده است. هایک را سردمدار نئولیبرالیسم می شمارند. عدالت به طبع ماهیت لیبرال اندیشه هایک موضوعی نیست که در نظر او به صورت دستوری و توسط برنامه ریزی متمرکز دولتی بدست آید. هایک به طبع مخالف عدالت اجتماعی است هایک برای اینکه هرگونه ابهام نسبت به دیدگاهش را رفع کند، عدالت اجتماعی را با تعبیراتی نظیر یک «فرمول توخالی»، «به طور محض، منطقاً و سراسر تو خالی و بی معنی»؛ «یک باور شبه دینی که هیچ مضمون و محتوایی ندارد و نوعی خرافه یا «موهوم پرستی» مانند باور به افسون گری یا کیمیاگری توصیف می کند. هایک می افزاید، عدالت اجتماعی نوعی خرافه پرستی خطرناک است؛ همچون «کابوسی که

امروزه با برانگیختن احساسات لطیف باعث تباهی تمام ارزش‌های یک تمدن آزاد شده است»، و نیز موجب «ویرانی بستری است که ارزش‌های اخلاقی، مانند آزادی فردی در آن پدید می‌آیند و رشد می‌کنند». به گمان هایک، تعبیر عدالت اجتماعی منشاء «تفکر آشفته و بلکه خیانت روشنفکری» است این اعتقاد هایک از عقیده راسخ او به لیبرالیسم و بازار آزاد نشأت گرفته است و به دلیل اینکه عدالت اجتماعی تصور دخالت دولت در اقتصاد و بازار را ایجاد می‌کند با آن مخالف می‌نماید

این نگاه فریدمن و هایک همان جریانی است که دولت‌های بعد از جنگ آن را به اجرا گذاشته و موجب ضربه به طبقات ضعیف جامعه شدند. هرچند در این دوره خدمات دولتی به طور کامل تعطیل نشد اما بنا به تکلیفی که نهادهای مالی بین‌المللی نشأت گرفته از اندیشه فریدمن برای کم کردن هزینه‌های دولتی بر عهده دولت گذاشته بودند این خدمات کاهش یافت. احمدی نژاد و شعارهای او را می‌توان مخالفتی بر این شرایط و تاکید بر عدالت اجتماعی بنا به آنچه رالز در برابر هایک، فریدمن به آن معقد بود دانست.

رالز مهم‌ترین اندیشمند در حوزه عدالت اجتماعی است. جان رالز هدف خود را ارائه یک تئوری عدالت میداند که بتواند جایگزینی ماندنی و مناسب برای تئوری‌های سیاسی باشد که مدت زمانی طولانی، تئوری مسلط در فلسفه سنتی بوده اند. از مجموع نظریه عدالت جان رالز چنین بر می‌آید که ایشان برای طرح نظریه عدالت، اهدافی را برای جامعه دموکراتیک و نیز طرح نظریه بین نسلی دنبال می‌کردند که از اهم آن اهداف میتوان به: جامعه بسامان و ساختار اساسی جامعه بر اساس موضوع عدالت و همچنین عقلانیت، قضاوت بی طرفانه، تنظیم نهادهای اجتماعی عادلانه برای رسیدن به جامعه عادلانه توزیع عادلانه همه خیرات برابری منصفانه فرصت‌ها، برابری دموکراتیک .. اشاره کرد (لسناف، ۱۳۸۵: ۲۹۵). رالز در نهایت عدالت را این گونه معنا می‌کند: عدالت عبارت از حذف امتیازات بیوجه و ایجاد تعادلی واقعی در میان خواسته‌های متعارض انسانها در ساختار یک نهاد و اجتماع می‌باشد رالز تحت عنوان برابری فرصت‌ها به دنبال آن است که مناصب قدرت بر پایه توانایی افراد باشد نه رابطه‌های فردی و همچنین رالز به دنبال اصلی است تا ناممکن بودن برابری در بین افراد را تصدیق کند و در عین حال آثار آن را کاهش دهد. زیرا نابرابری تا اندازه‌ای موجب تلاش و در نهایت موجب شکوفایی اقتصادی می‌شود که در نتیجه به نفع همه خواهد بود و حد این نابرابری جایی است که موجب بهتر شدن وضعیت طبقات پایین جامعه شود. نظریه عدالت رالز مفهومی دموکراتیک از عدالت را در جوامعی دموکراتیک عرضه می‌کند (علویان، مختاری، ۱۳۹۶:

۱۲۰-۱۰۹). این تعریف از عدالت چیزی بود که احمدی‌نژاد در شعارهایش مطرح ساخته و قدم‌هایی در جهت تحقق آن برداشت اما در نهایت موفق به اجرای واقعی آن نشد

پیشینه و نوآوری:

زایر کعبه و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود به تحلیل زمینه‌های جامعه شناختی تحول گفتمان‌های عدالت در دولت‌های خاتمی، احمد نژاد و روحانی پرداخته و به این نتیجه رسیدند که به غیر از گفتمان اصلاحات دولت خاتمی که بیشتر دغدغه اصلاحات سیاسی داشت دوگفتمان دیگر توجهشان بیشتر معطوف به آرامد کردن حوزه اقتصاد و عدالت بود اما موفق به کارامی کردن اقتصاد و تامین عدالت نشدند.

جعفر رضایی و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان تحلیل مقایسه‌ای عدالت اجتماعی در عملکرد دولت سازندگی و دولت عدالت محور انجام داده و تفاوت‌های نگاه دو دولت را به موضوع عدالت مورد توجه قرار دادند در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که این تفاوت نگاه و نداشتن یک برنامه کلی توسعه‌ای برای عدالت موجب نرسیدن این دو آنها به اهداف عدالت اقتصادی شده است.

فردین قریشی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق خود با عنوان تحول گفتمان عدالت در ایران: (مطالعه موردی دولت‌های محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی) به بررسی ابعاد عدالت در سه بعد اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و سیاسی پرداخته نتیجه می‌گیرد که گفتمان توسعه محور دولت روحانی علی‌رغم نگاه ابزارگرایانه به عدالت بیشتر توانسته به اهداف عدالت اقتصادی دست یابد.

تفاوت تحقیق حاضر با مطالعات قبلی صورت گرفته نگاه صرفاً اقتصادی به موضوع و دقت در پایه‌ها و عناصر بنیادین مشترک در سیاست‌های دولت‌ها فراتر از جهت‌گیری‌های سیاسی و فرهنگ‌گرای آنها می‌باشد. این تحقیق بر مبنای این اندیشه پایه‌ای قرار دارد که ساختارهایی فراتر از گفتمان‌ها و علایق دولت‌ها وجود دارند که خواسته یا ناخواسته این دولت‌ها را به سوی بی‌عدالتی و مشکلات اقتصادی سوق می‌دهند و رفت و آمد دولت‌های گوناگون تاثیر کمی در جهت‌گیری کلی این ساختارها دارد.

رویکردهای اقتصادی دولت احمدی نژاد

سیاست مالی بخشی از سیاست‌های مدیریت تقاضاست که از سوی دولت اجرا می‌شود و دولت می‌تواند بستر لازم برای نیل به سمت برابری درآمدی دهک‌های مختلف جمعیتی را با اعمال سیاست‌های مالی متناسب ایجاد کرده و به توزیع مجدد درآمدها دست بزند. جریان پرداخت‌ها و دریافت‌های دولت که در قالب بودجه دولت آشکار می‌شود متغیرهای اصلی

سیاست مالی دولت را تشکیل می‌دهند (ابونوری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۸) به کارگیری درست ابزار سیاست مالی، به عنوان بازوی اقتصادی دولت می‌تواند نقش مهمی در تشکیل سرمایه، تجهیز منابع، رشد و ثبات اقتصادی، ایجاد اشتغال، ایجاد عدالت در توزیع و تخصیص منابع داشته باشد. دولت‌ها بعد از مشخص نمودن هدف مدنظر، سیاستهای مالی مناسب برای تحقق اهداف را انتخاب می‌کنند (غلامی، هژبر کیانی، ۱۳۹۵: ۱-۲۶).

طرح‌های عمرانی با هدف دستیابی به عدالت اجتماعی

وابستگی و ارتباط هزینه‌های جاری و عمرانی دولت با اجزای تقاضای کل، قابل اغماض نیست و کلیه اجزای تقاضای کل و همچنین، مصرف دهک‌های مختلف درآمدی نسبت به هزینه‌های جاری و عمرانی دولت از خود واکنش نشان می‌دهند لذا ساختار هزینه‌های جاری و عمرانی دولت بر اقتصادهای در حال گذار و کشورهای در حال توسعه از اهمیت خاصی برخوردار است. مقادیر ضریب فزاینده هزینه جاری و عمرانی دولت که محاسبه شده بیانگر تأثیر هر یک از هزینه‌های جاری و عمرانی دولت بر رشد اقتصادی است. با تفکیک تابع مصرف به دهک‌های مختلف درآمدی ضریب فزاینده بزرگتری به دست آمده و اثرات هر یک از متغیرهای اقتصادی بهتر نشان داده میشود. با توجه به ضریب فزاینده بزرگتر مخارج عمرانی نسبت به مخارج جاری، دولت برای کسب رشد اقتصادی بالاتر باید جهت‌گیری هزینه‌های خود را بیشتر به سمت هزینه‌های عمرانی سوق دهد. یکی از مواردی که باعث رشد و شکوفایی اقتصادی می‌شود سرمایه‌گذاری دولت در بخشهای مختلف است که همراه با توسعه و رشد اقتصادی، رشد اجتماعی نیز حاصل شده و اقتصاد جامعه می‌تواند در شرایط مناسب تری گسترش یابد (صامتی و دیگران، ۱۳۸۲: ۱-۱۸).

در دولت احمدی‌نژاد هزینه‌های عمرانی در ظاهر نشانگر سیاست‌های مالی انبساطی بوده که طبیعتاً باید منجر به افزایش عدالت و برابری در کشور شود اما این اتفاق به دلیل اینکه نیمه تمام رها شدن بیشتر طرح‌های عمرانی و تحمیل خرج افتتاح و شروع کار آنها بر دوش دولت و ملت این مهم عملاً رخ نداده و حتی شرایط تامین عدالت را بدتر کرد.

بر اساس گزارش بانک مرکزی ایران از سال‌های ۸۴ تا پایال ۹۰ بیش از ۱۲۵ هزار میلیارد تومان صرف هزینه‌های عمرانی شده اما بیش از ۹۰ درصد طرح‌های عمرانی که با صرف این هزینه‌ها باید پایان می‌یافتند تمام نشده‌اند این در حالی است که تمام بودجه آنها هزینه شده است. در لایحه بودجه سال ۸۵ احمدی‌نژاد از مجلس خواست بودجه ۱۸ هزار میلیارد تومانی عمرانی را تصویب کند تا دولت بیش از ۹ هزار طرح نیمه تمام ملی و استانی را طرف یک یا دو سال به پایان برساند نمایندگان مجلس هم بودجه عمرانی مصوب دولت را تصویب کردند

اما در عمل دولت نه تنها طرح های عمرانی نیمه کاره را تمام نکرد بلکه آنها را مدام در بودجه های سالانه بعدی تکرار می کرد و مدام طرح های جدید کلنگ می زد و طرح های نیمه تمام روی هم انباشه شد (اقتصاد نیوز ۱۳۹۳). زمانی که دولت روحانی دولت یازدهم را تحویل گرفت دو هزار و ۹۰۶ طرح عمرانی وجود داشت البته باید توجه داشت که عنوان طرح کافی نیست به طوری که برخی طرح های عمرانی متشکل از یک یا چندین پروژه بزرگ است که برخی از پروژه ها از نظر حجم به مثابه یک طرح بزرگ تلقی می شوند (روزنامه شرق، ۱۴۰۰). طبیعی است در صورتی که روند کارهای عمرانی در کشور با آسیب مواجه شود در نهایت عدالت نیز با مشکل مواجه خواهد شد اما تمام مشکل اینجا نیست از سوی دیگر طرح های متعدد عمرانی نیمه تمام می تواند موجب افزایش تورم شود به این معنا که آغاز هر طرح جدید، با ایجاد درآمد برای صاحبان عوامل تولید، تقاضای کل را افزایش می دهد. اگر طرح در زمان معقول تمام شود و به بهره برداری برسد، بر ظرفیت تولید کل می افزاید و اثر ظرفیتی، اثر درآمندی را خنثی می سازد، اما وقتی اثر ظرفیتی به شکل یک جریان، بطور مداوم با تأخیر ظاهر شود، اثر درآمندی بر آن پیشی می گیرد و منجر به تورم می شود. این امر، در شرایطی است که منبع تأمین اعتبار، طرح مالیات باشد. به بیان دیگر، با افزایش مالیات برای تأمین اعتبار طرح عمرانی، اثر منفی ضریب افزایش تولید کل پیدا می شود. اگر این مالیات به شکل مولد و معقول به دارایی سرمایه ای تبدیل شود. با افزایش بهره وری کل و تقویت سرمایه گذاری خصوصی، عرضه کل را تقویت می کند. در غیر این صورت، اثر کاهنده بر آن می گذارد و تورم زاست. اگر منبع تأمین اعتبار طرح ها، درآمد نفتی باشد؛ وقتی سقف استفاده از درآمد نفتی بیش از قدرت جذب اقتصاد باشد، آثار تورمی ناشی از بیماری هلندی بر شدت تورم زایی ناشی از تأخیر می افزاید و آسیب به دهک های پایین جامعه شود (توکلی، ۱۳۸۶: ۱۵-۴۲)

توسعه بنگاه های کوچک زودبازده

در تعریف بنگاه کوچک زودبازده باید بیان داشت که در حقیقت، موسسه ای است که با تعداد کمتر از پنجاه نفر از منابع انسانی در در یک زمینه معین مشغول به فعالیت است و با سرمایه محدود و حوزه عملیاتی مشخص و محدود در کوتاه ترین زمان به مرحله تولید یا اراده خدمات رسیده و ساختار پیچیده ای ندارد. اهمیت اینگونه بنگاه های کوچک در توسعه پایدار اقتصادی ناشی از اندازه و ساختار آنهاست که در محیط توانمند و در بازارهای توسعه یافته به آنها توان و انعطاف پذیری تحمل شرایط نامناسب اقتصادی را می دهد و بیش از سازمان های بزرگ متکی بر منابع انسانی هستند و به همین دلیل به هزینه های سرمایه ای کمتری برای ایجاد اشتغال نیاز دارند و در نتیجه نقش مهمی در ثبات درآمد رشد و اشتغال خواهند داشت. شواهد

فراوانی حاکی از این که چنانچه دولت در خصوص رشد اقتصادی و ارتقای سطح برابری و عدالت اجتماعی و کاهش فقر جدی باشد می باید فضایی را ایجاد نماید تا محیط برای توسعه بخش خصوصی و کسب و کارهای کوچک کاملاً هموار و مستعد باشد، وجود دارد (گیلانی، جلالی، ۱۳۸۸: ۲۰-۲۷). طرح حمایت از بنگاه‌های زود بازده باز هم به عنوان طرحی که تداعی کننده سیاست‌های انبساطی و حامی عدالت اجتماعی می باشد در سال ۸۵ از سوی دولت احمدی نژاد ارائه و پیگیری شد اما باز هم شواهد نشان می دهد این طرح نیز در نهایت حاصلی نداشته است که یکی از مهم‌ترین دلایل این اتفاق ورود شتاب زده و بدون کارشناسی به موضوع بود (مرکز پژوهش‌های مجلس تخمین می‌زند نزدیک به ۷۰ درصد تسهیلات اعطایی به بنگاه‌های زودبازده به جای تولید و اشتغال، در کارهای دلالی و غیراشتغال‌زا هزینه شده است.) (تجارت فردا، ۱۳۹۲).

اما نمی توان این طرح را تنها طرحی شکست خورده نامید چراکه در نهایت خود موجب بدتر شدن اوضاع اقتصادی دهک های ضعیف شد. پایگاه اینترنتی بصیرت (۱۳۹۲) در تشریح شرایط ایجاد شده می نویسد: (در توضیح و تشریح عملکرد طرح بنگاه‌های زودبازده می‌توان به سخنان معاونت مربوطه در وزارت کار اشاره کرد که گفته بود: «برآورد ما از تجربه بنگاه‌های زودبازده آن است که بخشی از بیکاران کشور را تبدیل به بیکاران بدهکار کردیم.» با توجه به آنکه این بنگاه‌ها، کوچک بوده و در دوره توسعه نیازمند حمایت دولت بودند، دولت حمایت‌های خود را از این واحدها دریغ کرد. در همین زمان بنگاه‌های بزرگ نیز دچار کمبود نقدینگی شده بودند و به ورشکستگی تهدید می‌شدند. بانک‌ها که پیش از این با جبر، اعتبارات خود را در اختیار بنگاه‌های کوچک گذاشته بودند، از پرداخت تسهیلات به این واحدهای بزرگ ناتوان بودند.

در نهایت مرکز پژوهش‌های مجلس با مقایسه سه گزارش دولتی و نظارتی درباره طرح بنگاه‌های زودبازده، رسماً آن را طرحی ناموفق معرفی کرد که بیش از ۶۰ درصد به انحراف رفته است. مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۸۸ در گزارشی از عملکرد این بنگاه‌ها اعلام کرده بود که اشتغال محقق شده نسبت به اشتغال تعهد شده در آن، ۴۸/۲ درصد بوده است. با این حال، آخرین گزارش تطبیقی مرکز پژوهش‌ها اوضاع را نسبت به سال ۸۸ نیز نامناسب‌تر ارزیابی و اعلام کرده است رشد نقدینگی و مقطعی و ناپایدار بودن شغل‌های ایجاد شده در این بنگاه‌ها از جمله آسیب‌های مهم طرح یادشده از نگاه مرکز پژوهش‌های مجلس است. بازوی مطالعاتی قوه مقننه در این گزارش، از اطلاعات دو منبع دولتی (معاونت برنامه‌ریزی و

نظارت راهبردی رییس‌جمهور و بانک مرکزی) و یک منبع نظارتی قضایی (سازمان بازرسی کل کشور) استفاده کرده است (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۱).

اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها

سیاست‌های پرداخت یارانه در برخی از کشورهای دنیا مانند انگلستان و سوئد پیش از سال ۱۹۷۰ میلادی که دولت‌های رفاه حاکم بودند به منظور مرتفع ساختن مشکلات زندگی خانوارهای کم درآمد بکار گرفته شد، اما بعد از سال ۱۹۷۰ این سیاست در بسیاری از کشورها کنار گذاشته شد زیرا دولت‌ها به این نتیجه رسیدند که پرداخت یارانه، توان اقتصادی آنها را محدود کرده و سرمایه‌گذاری در بخشهای کشاورزی و صنعتی را با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌سازد که در نهایت منجر به کندی رشد اقتصادی می‌گردد. بر این اساس دولت‌ها به این امر واقف گردیدند که در صورت عدم پرداخت یارانه می‌توانند با منابعی که از این بابت آزاد میشود به رشد سریع‌تر اقتصادی دست یابند. در کشور ما نیز طی چند دهه اخیر برای رفاه اقشار کم درآمد جامعه، کالاهای ضروری با قیمت یارانه‌ای به مردم عرضه شده است که از عوارض منفی آن میتوان به مصرف بی‌رویه کالاهای ضروری، رشد قاچاق، کم شدن توان اقتصادی برای اهداف سرمایه‌گذاری و بطور کلی ایجاد آثار اخلاقی بربنده اقتصاد کشور اشاره کرد. لذا دغدغه اصلی دولت (احمدی نژاد) ساماندهی یارانه‌ها و سپس رساندن آن به اقشار کم درآمد جامعه بود بطوریکه منافع آن به گروه‌های مورد نظر تعلق گیرد (پرستش، ۱۳۸۹: ۱۴۳-۱۵۰).

با روی کار آمدن دولت نهم، این دولت که تثبیت قیمت‌ها را موافق دیدگاه‌های خود مبنی بر حمایت از اقشار ضعیف می‌دانست حدود پنج سال قیمت حامل‌های انرژی را ثابت نگاه داشت. بنابراین روز به روز قیمت واقعی این حامل‌ها کاهش یافت و مصرف بهینه انرژی را تحت تاثیر قرار داد. تا این که در آذر ماه ۱۳۸۹ کشور با قانونی با عنوان قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در قالب طرح تحول اقتصادی مواجه شد. به هر حال دولت در قالب اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، به یکباره دست به افزایش حدود ۴۰۰ درصدی قیمت حامل‌های انرژی پس از پنج سال تثبیت قیمت زد؛ رفتاری که اقتصاد کشور را با چالشی قابل ملاحظه همراه کرده و انتقاد کارشناسان را به همراه داشت. این در حالی بود که قیمت هر لیتر بنزین سهمیه‌ای از ۱۰۰ به ۴۰۰ تومان و قیمت آزاد آن به ۷۰۰ تومان افزایش یافت. همچنین برای نفت سفید هر لیتر از ۱۶٫۵ به متوسط ۲۱۳ تومان و نفت کوره از ۹٫۵ به ۲۰۰ تومان افزایش قیمت اعمال شد. اما مشکل اصلی فقط محتوای این قانون که تداعی کننده سیاست شوک قیمتی در اندیشه‌های نئولیبرال بود نیست از سوی دیگر دولت نیز آن را به شکل مناسبی اجرا نکرد به

گونه ای که موجب اعتراض نمایندگان مجلس شد. نمایندگان مجلس از نحوه اجرای این قانون به شدت انتقاد داشته و توزیع بی منطق یارانه نقدی، تامین اعتبار یارانه نقدی از محل هایی به جز موارد تایید شده در قانون، عدم تحویل سهم ۳۰ درصدی تولید از درآمدهای حاصل از اجرای هدفمندی و سوء استفاده های سیاسی دولت از توزیع یارانه نقدی را از مهم ترین مواردی می دانند که قانون هدفمندی را از اهداف آن دور ساخته است. سهم تولید، اولین و بزرگ ترین گمشده اجرای قانون در متن قانون هدفمندی یارانه ها در ماده ۸ صراحتاً تاکید شده است که تولید به عنوان اصلی ترین چرخ حرکت اقتصاد کشور، باید از درآمدهای حاصل از اجرای این طرح سهم داشته باشد تا بتواند زیر فشار افزایش قیمت ها تاب آورده و به حرکت خود ادامه دهد (خانه ملت ۱۳۹۱). طبیعتاً ضربه خوردن تولید موجب افزایش فقر و بیکاری می شود. در نهایت نتایج اجرای این قانون بر عدالت اجتماعی را می توان اینگونه ارزیابی کرد: به دلیل اجرای سیاست هدفمندی یارانه ها، قیمت حامل های انرژی از جمله برق افزایش می یابد، با توجه به این افزایش قیمت حامل ها باعث افزایش ضریب جینی می گردد یعنی نابرابری درآمد ها با اتخاذ این سیاست بیشتر شده است. البته یکی از اهدافی که دولت با هدفمندی یارانه و هم چنین افزایش قیمت حامل های انرژی دنبال کرده، صرفه جویی در مصرف یا اصلاح الگوی مصرف بوده است. که می توان گفت افزایش قیمت حامل ها سبب صرفه جویی در مصرف حامل های انرژی شده است. در واقع می توان گفت هدفمندی یارانه ها در واقع همان شوک قیمت در نتولیرالیزم بود که نه تنها اوضاع اقشار ضعیف جامعه را بهبود بخشید بلکه با ایجاد تورم و نقدینگی اوضاع را از گذشته نیز بدتر نمود

محاسبات بیانگر آن است که از سال ۱۳۹۰ به عنوان نخستین سال پس از اجرای هدفمندی سازی یارانه ها تا سال ۱۳۹۳، رشد مخارج سالانه صورت گرفته توسط خانوارها بر روی اغلب گروه های کالایی پس از کسر تورم سالانه - یعنی رشد مصرف واقعی گروه های کالایی توسط خانوارها منفی بوده است؛ به طوری که جدول زیر نشان می دهد، رشد مصرف حقیقی سالانه خانوارها در گروه های کالایی پوشاک و کفش، مبلمان و لوازم منزل، بهداشت و درمان، فرهنگ و تفریحات و کالاها و خدمات متفرقه از سال ۱۳۹۰ و در گروه خوراک و غذا از سال ۱۳۹۱ همواره منفی بوده است. با توجه به جدول زیر می توان گفت به دلیل بالاتر بودن نرخ تورم سالانه اغلب گروه های کالایی نسبت به رشد اسمی سالانه مخارج صورت گرفته توسط خانوارها، علاوه بر اینکه کیفیت سبد مصرفی خانوارها پس از هدفمندی سازی یارانه ها با تنزل مواجه گردیده است، حتی خانوارها در مورد ضروری ترین گروه کالایی موجود در سبد مصرفی شان یعنی گروه خوراک و غذا، انقباضی عمل نموده اند و بنابراین پرداخت های نقدی

همگانی در قالب قانون هدفمندی یارانه‌ها نیز قادر نبوده است تا کمک چندانی به بهبود وضعیت رفاهی و معیشتی خانوارها کند. (سهیلی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۱-۱۲۹)

جدول ۱. تغییرات واقعی مصرف خانوارها (درصد)

۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	
-۵/۳۳	-۱۸/۱۵	-۹/۲۶	۱/۹۳	۳/۶۴	-۴/۵۹	خوراکی و آشامیدنی
-۱۵/۰۱	-۲۰/۵۴	-۲۰/۵۶	-۶/۶۴	-۱/۵۸	-۴/۰۷	پوشاک و کفش
۱/۳۰	-۴/۱۱	۳/۱۶	۱۱/۴۴	۱۸/۴۴	-۱۵/۴۵	مسکن، آب و سوخت
-۵/۹۰	-۲۲/۴۴	-۱۷/۵۲	-۶/۰۸	-۲/۹۶	۰/۵۳	میلان و لوازم منزل
-۱۷/۸۴	-۷/۴۳	-۴/۴۱	-۳۶/۹۵	۲/۴۱	-۰/۸۰	بهداشت و درمان
-۵/۴۷	۳/۳۷	-۲۰/۹۰	۲۰/۱۲	۱۵/۶۷	۱/۷۵	حمل و نقل ارتباطات
-۲/۰۶	-۱۸/۲۰	-۵/۱۲	-۲/۱۶	-۲/۹۹	-۳/۴۰	فرهنگ و تفریحات
-۳/۶۲	-۱/۱۴	-۱۰/۹۰	-۱/۸۷	۵/۳۹	۵/۰۱	سایر

مأخذ: محاسبات تحقیق براساس داده‌های بودجه‌خانوار مرکز آمار ایران

در کل می‌توان چنین عنوان نمود که هدفمند کردن یارانه با توجه به شرایط موجود منجر به گسترش اقتصادی دولتی و تصمیم‌گیری‌های دولتی و تخصیص دولتی منابع به جای دخالت مکانیزم بازار، افزایش تمرکز و نظارت دولتی به جای تمرکز زدایی، و عدم دسترسی به اهداف چشم‌انداز و افزایش نرخ تورم، بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی و بی‌اعتمادی مردم به دولت می‌گردد (مهربانی، ۱۳۹۴: ۷۷-۹۲)

توزیع سهام عدالت دولت نهم در راستای شعار «آوردن پول نفت بر سر سفره‌های مردم و با عنوان بحث در راستای خصوصی سازی و یا مردمی سازی اقتصاد، و با هدف واگذاری بخش دولتی و مشارکت اقشار پایین جامعه در روند لیبرالیزه کردن ساختار اقتصادی جامعه، اقداماتی شتابزده را در این راه در پیش گرفت. هیأت وزیران در تاریخ ۸۴/۱۱/۹، بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصاد و دارایی و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۹ قانون برنامه ی چهارم توسعه، آیین‌نامه اجرای توزیع سهام عدالت را در ۱۳ ماده تصویب کرد. مطابق این آیین‌نامه دولت در صدد بود طی چند مرحله، سهام شرکت‌های دولتی را به دهک‌های پایین در آمدی جامعه، با ۵۰ درصد تخفیف واگذار و بهای آن را به صورت اقساط و از محل سود این سهام، در طول ۱۰ سال دریافت کند. سهام عدالت علی‌رغم نام و ظاهر آن مصداق سیاست خصوصی سازی بود که در نزد نئولیبرال‌ها سابقه ای طولانی دارد اما خصوصی سازی نه با روشی منطقی بلکه با روشی ویرانگر که ساختار اقتصادی را تحت الشعاع خود قرار داد.

در حالی که یکی از مهم‌ترین شعارهای دولت محمود احمدی‌نژاد شعار عدالت خواهی و کاهش شکاف طبقاتی و فقر از بین مردم بوده یکی از راههایی که برای تحقق این شعار پیش

بینی شد واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به مردم بود. فلسفه اصلی که در پس این واگذاری بود تلاش داشت دو هدف را توأمان پیش ببرد؛ اول تحقق خصوصی سازی و کاهش تصدی دولت بر اقتصاد و دوم تحقق عدالت درآمدی و کاهش شکاف اقتصادی بین طبقات کم برخوردار جامعه با ثروتمندان جامعه به عبارت دیگر این طرح که از نخستین برنامه های دولت احمدی نژاد در راستای ایده عدالت توزیعی بود. این ایده در سال ۱۳۸۴ یعنی همزمان با استقرار دولت نهم مطرح و در سال ۱۳۸۵ با مصوبه هیأت وزیران شکل اجرایی به خود گرفت اما نتوانست در دوره هشت ساله احمدی نژاد قوام خود را به دست آورد. این طرح در سایر کشورهایی هم که درگیر اقتصاد دولتی بودند مسبوق به سابقه بود و بنابراین ایده کاملا جدیدی محسوب نمی شد. تقریبا در همه جوامع حمایت از گروه‌های آسیب پذیر و بهینه سازی توزیع درآمد یکی از اهداف و بلکه آمال دولت‌ها بوده و هست چرا که نه تنها آثار اقتصادی بلکه اثرات سیاسی و اجتماعی نیز در پی دارد. تقریبا عمده کارشناسان معتقدند که اگر این طرح به درستی اجرا می شد می توانست منجر به عملکردی مثبت در خروج از اقتصاد به شدت دولتی کشور و تحقق اصل ۴۴ قانون اساسی باشد اما آنچه در عمل اتفاق افتاد، شرکت‌ها دولتی باقی ماندند و به دلیل وکالت از طرف مردم بدلیل مالکیت آنها بر شرکت‌ها حوزه نظارتی و پاسخگویی آنها کاهش یافت و روند بازدهی منفی و نزولی بسیاری از شرکت‌ها آغاز شد تا جایی که بسیاری از شرکت‌های واگذار شده عملا به شرکت‌های زیانده تبدیل شدند. این طرح به دلیل اینکه در سال اول استقرار دولت نهم آغاز شده و دولت اصرار زیادی بر شروع سریع آن داشت با نوعی شتاب زدگی همراه بود و نتوانست جوانب و تبعات آن را به درستی شناسایی و مرتفع کند بنابراین وقتی اهداف طرح را با عملکرد آن مقایسه می کنیم پر واضح است که اهداف پرطمطراق و ابتدایی آن اساسا محقق نشده است. زمانی طرح واگذاری سهام شرکت‌های دولت به مردم موسوم به سهام عدالت به اهداف خود می رسید که اولاً صرفا بر روی منافع مادی این طرح برای مردم مانور داده نمی شد و به تبدیل شدن آن به عنوان راهی برای نجات کشور و خصوصی سازی هم تاکید می شد و مردم عملا به صحنه آمده و به بازی گرفته می شدند و ثانيا امکان معامله سهام عدالت در بازار بورس با سازوکارهای مطلوب فراهم می شد و مردم به عنوان سهامداران شرکت‌های واگذار شده عملا می توانستند به خرید و فروش آن اقدام کنند که این دو امر هیچ کدام در دوران احمدی نژاد محقق نشد. (براری، ۱۳۹۸: ۸).

ساخت مسکن مهر

دولت نهم با تأسی از برنامه چهارم، عدالت محوری را در سیاست‌ها و برنامه‌های مسکن در پیش گرفت. توزیع زمین ارزان بین مردم از طریق تعاونی‌های مسکن و نیز ارائه وام‌های ارزان برای آماده‌سازی زمین و ساخت مسکن، از جمله راهبردها در این دوره می‌باشد. سیاست غالب این دوره در زمینه مسکن به طرح مسکن مهر بر می‌گردد که توسط دولت نهم و دهم اجرا شد. وزارت مسکن و شهرسازی در راستای تأمین مسکن مناسب برای آحاد مردم و به خصوص نیازمندان، در سال ۱۳۸۴، طرح جامع مسکن را با استفاده از دیدگاه‌ها و نظرات پژوهشگران و محققان بخش مسکن تهیه و سند راهبردی اجرایی آن در سال ۱۳۸۵ مشتمل بر ۵۵ برنامه و در ۹ محور جمع‌بندی شد. در این طرح، تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد با رویکرد کاهش قیمت تمام‌شده مسکن از طریق حذف قیمت زمین، پرداخت یارانه‌های مستقیم، اعطای تسهیلات یارانه‌ای، پوشش بخشی از هزینه‌های ساخت از جمله عوارض تراکم و پروانه‌های ساختمانی، انشعابات، نظارت عالی و ... برای دهک‌های مشمول و همچنین تقویت حق حاکمیتی دولت در بخش مسکن و حصول به عدالت اجتماعی و توانمندسازی گروه‌های کم‌درآمد، مورد نظر بود. ه طور کلی هدف از طرح مسکن مهر را باید تحقق عدالت اجتماعی دانست. تحقق عدالت از طریق تأمین مسکن مناسب برای گروه‌های کم‌درآمد و فقیر و خانه دار کردن آنها شعار اصلی مسکن مهر است. با این حال شرایط به گونه‌ای رقم خورده است که این طرح نیز به اهداف خود نرسیده است. آنچه تحت عنوان مسکن مهر در شهرهایی مانند پرنده و پردیس ساخته شده است، فاقد حداقل‌های یک مسکن مناسب است. هزینه‌های اجرا به هیچ وجه با آنچه ابتدا به متقاضیان وعده داده شده بود نمی‌خواند. دلالتان و واسطه‌گران مسیر طرح را منحرف کرده‌اند. همه اینها باعث شده است تا نه تنها این سیاست رسمی رفاهی مسکن کمکی به بهبود زیست فرودستان نکند، بلکه خود به سازوکاری تبدیل شود که بیشتر بر بورس بازی و در نتیجه بیشترین منافع آن به جیب سرمایه‌داران و نهادهای قدرت می‌رود و نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای فرودستان شهری باشد. (برادران، ۱۳۹۸: ۲۱۸-۱۷۹)

از سوی دیگر این طرح سبب افزایش قیمت مسکن نیز شده است. از سال ۱۳۸۶ که طرح مسکن مهر کلید زده شد قیمت خانه در تهران ۸۷۸ درصد معادل ۹,۷ برابر افزایش یافته و این در حالی است که یکی از اهداف اجرای این پروژه پایین آوردن قیمت مسکن عنوان می‌شد. مسکن مهر قرار بود به کاهش قیمت خانه در کلان‌شهرها کمک کند. تنها در سال ۱۳۸۶ همزمان با شروع این طرح، میانگین قیمت هر متر مربع مسکن شهر تهران از یک میلیون و ۲۰ هزار تومان در ابتدای بهار به یک میلیون و ۶۹۹ هزار تومان تا انتهای زمستان ۱۳۸۶ افزایش

یافت. در پایان دولت احمدی نژاد نیز قیمت خانه در تهران به متری ۳ میلیون و ۹۵۰ هزار تومان در سال ۱۳۹۲ رسید (ایسنا، ۱۳۹۷).

در کشورهای تک محصولی مانند ایران که متکی به درآمدهای نفتی هستند، در صورت اتخاذ تصمیمات نادرست افزایش نامناسب نقدینگی که به سبب افزایش درآمدهای نفتی صورت میپذیرد، به تورم شدید در قیمت بیشتر کالاها منجر میشود. این تورم ممکن است در اقلام تجاری، مصرفی و نظایر آن به وسیله اهرمهای مختلف همچون واردات کنترل شود، اما در مورد کالاهای غیرمنقول مانند زمین، ساختمان و برخی خدمات، نه تنها تورم بر طرف نشده، بلکه ادامه نیز خواهد یافت. از سوی دیگر، منابع مالی نیز به سمت این کالاها جهت دهی شده و ورود سرمایه های غیرحرفه ای و سرگردان، سبب سوداگری و واسطه گری در آنها میشود و این گونه کالاها به ویژه زمین و مسکن را از یک کالای مصرفی به یک کالای سرمایه ای پربازده تبدیل میکند. تورم نسبتاً بالا موجب می شود خانوارها به منظور حفظ قدرت خرید، در بخش مسکن سرمایه گذاری کنند؛ زیرا این بخش در مقایسه با دارایی های دیگر از ریسک و بازدهی مناسب بلندمدت برخوردار است. تولید ناخالص داخلی از سمت تقاضای اقتصاد به عنوان شاخصی از قدرت خرید مسکن توسط افراد در نظر گرفته شده و افزایش آن به افزایش درآمد و در نتیجه، به افزایش قیمت حقیقی مسکن منجر خواهد شد. کاهش نرخ بهره، بازار مسکن را به عنوان یک فرصت رقیب سرمایه گذاری جذابتر میکند. رویدادهایی از قبیل سقوط بازار بورس اوراق بهادار، رکود بازار طلا، پایین بودن نرخ سود اوراق مشارکت نسبت به تورم همگی میتواند موجب حرکت منابع مالی به سمت بازار مسکن به عنوان یک گزینه رقیب شود. در مورد تسهیلات خرید مسکن، تسهیلات میتواند با تشدید عوامل پیشگفته، باعث تحریک تقاضای سوداگرانه مسکن شود (نصرالهی، آزاد غلامی، ۱۳۹۲: ۱۵-۳۸).

این اتفاقی بود که در دولت های نهم و دهم رخ داد و سبب شد که روند گرانی مسکن آغاز شده و در دولت های یازدهم و دوازدهم به گونه ای ادامه یابد که در نهایت نه تنها اقشار ضعیف که اقشار متوسط را نیز از توانایی خرید مسکن محروم سازد.

برنامه مسکن مهر با عنایت به اینکه بانک ها را درگیر کرد، می توانست نکته مثبتی باشد، اما در واقع امر درگیر کردن سیستم بانکی با برنامه مسکن، حرکتی مصنوعی بود؛ یعنی سیستم بانکی را ملزم کرده که از طریق چاپ اسکناس و دست کاری ها در نظام بانکی منابع فراوان پولی را به پروژه های مسکن مهر تزریق کند که نتیجه اش تورم گسترده ای بود که شکل گرفت. این شیوه عملکرد بسیار مخرب بوده است (اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۶).

تسهیلات مسکن مهر مهم ترین دلیل رشد پایه پولی از حدود ۵۴ هزار میلیارد تومان در سال ۸۷ به ۹۵ هزار میلیارد تومان در سال ۹۲ بود

شکل	پایه پولی (میلیارد تومان)
۱۳۸۷	۵۲۹۴
۱۳۸۸	۶۰۳۷۸
۱۳۸۹	۶۸۶۳۹
۱۳۹۰	۷۶۴۵۶
۱۳۹۱	۹۷۵۷۹
تیر ۱۳۹۲	۹۵۸۰۴

واگذاری شرکت‌ها به خصوصی‌ها

براساس آمار واگذاری شرکت‌های دولتی در دو دولت احمدی‌نژاد در سایت سازمان خصوصی‌سازی، بیش از ۹۵ درصد واگذاری‌ها به شکل بلوکی بوده است که در چنین شرایطی، توانایی خرید سهام این شرکت‌ها از سوی گروه‌های پایین درآمدی به شدت کاهش می‌یابد. در واقع میزان بزرگی از سهام یک شرکت دولتی، به شرکت دیگر شبه دولتی واگذار شده است. مهم‌تر آنکه سازوکار شرکت و اهرم‌های مدیریت کلان این شرکت‌ها نیز همچنان در دست مدیران دولتی و وابسته به دولت باقی می‌ماند. در آمارهای سازمان خصوصی نکات دیگری نیز به چشم می‌خورد؛ ۴/۱۸ درصد از واگذاری‌ها متعلق به سهام عدالت است. در خصوص فروش سهام به عموم متقاضیان نیز باید افزود که هر چند این نوع واگذاری‌ها بیشترین درصد را به خود اختصاص داده، اما بر مبنای گزارش سازمان بازرسی کل کشور، کمتر از ۱۸ درصد از واگذاری‌های اصل ۴۴ به بخش خصوصی بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت؛ عمدتاً دستگاه‌های شبه دولتی و یا نهاد عمومی غیردولتی این بنگاه‌های اقتصادی را به مالکیت خود درآوردند (سیمبر و همکاران، ۱۳۵:۱۴۰۱-۱۶۱).

تضعیف طبقه متوسط و ایجاد قطب بندی طبقاتی

سیاست‌های دوره احمدی‌نژاد به ویژه برای طبقه متوسط جامعه بسیار زیان بار بود از آنجاکه عمده توجه و تمرکز برنامه‌های اقتصادی احمدی‌نژاد در ظاهر بر طبقه محروم و پایین جامعه، بود در برنامه‌ها های متعدد اقتصادی خود نظیر صندوق مهر امام رضا سفرهای استانی و تخصیص سهام عدالت توجه کم‌تری به طبقه متوسط داشت در حقیقت تلاش احمدی‌نژاد بر این بود تا مرکز سیاست‌گذاری و پشتیبانی سیاسی را از طبقات متوسط به طبقات پایین منتقل کند (اقدامی که در نهایت هیچ تاثیری در بهتر شدن وضعیت طبقات پایین هم نداشت) از این

رو طبقه متوسط در دوره احمدی نژاد به شدت آسیب دید در دولت نهم کارهای تولیدی انجام نشد لایه های وسطی طبقه متوسط به سمت پایین حرکت کرد اما لایه بالایی طبقه متوسط در این مقطع پول دارتر شد در نتیجه این روند شاخص فلاکت در کنار وضعیت نامطلوب شاخص های دیگر اقتصادی طبقه متوسط به طبقات پایین جامعه ریزش کرد و به گفته اغلب کارشناسان اقتصادی در هشت سال دولت احمدی نژاد طبقه متوسط که حدود هشتاد درصد جامعه را تشکیل میداد فروپاشید کاهش (ظاهری و موقتی) نابرابری درآمدها باعث کاهش نرخ فقر نشد و تورم بالا باعث شد که منافع پرداخت یارانه مستقیم نقدی به خانواده های کم درآمد را از بین برد در حالی که برخی از خانواده های طبقه متوسط را نیز به زیر خط فقر سوق داد (سمعی اصفهانی، ۱۳۹۹: ۵۹۵-۶۲۴)

تحلیل و ارزیابی سیاست های اقتصادی احمدی نژاد:

به رغم اجرای سیاست های اقتصادی عدالت محور، بی برنامه بودن و علمی نبودن این سیاست ها به همراه عدم تلاش برای تغییر ریل گذاری ناعادلانه و نتولیرالیستی اقتصاد ایران سبب شد عملاً این سیاست ها تغییری در شاخص های عدالت ایجاد نکرده و در نهایت به گواهِ شاخص هایی که در ادامه می آید همان مسیر ناعادلانه قبلی ادامه یابد.

بیکاری:

دولت نهم و دهم همواره اشتغال زایی را یکی از اهداف و سیاست های خود اعلام می کرد. این در حالی است که بسیاری از کارشناسان اقتصادی، رشد نرخ بیکاری را در این ۸ سال در مقایسه با نیم قرن گذشته بی سابقه عنوان می کنند. حتی طرح بنگاه های زودبازده نیز نتوانست به اهداف اشتغال زایی دولت کمک کند. از همین رو دولت ناچار شد با تغییر تعریف بیکاری، به بخشی از انتقادات پاسخ دهد. براساس تعریف یاد شده، تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در طول هفته مرجع، حداقل یک ساعت کار کنند، شاغل محسوب می شوند. اما حتی دستکاری آمارها نیز نتوانست منجر به کاهش نرخ بیکاری شود، طبق آمارهای رسمی مرکز آمار ایران در ابتدای شروع کار دولت محمود احمدی نژاد در سال ۸۴ جمعیت شاغل کشور ۲۰ میلیون و ۶۱۸ هزار و ۵۷۹ نفر بوده که در پایان سال ۹۱ این عدد به ۲۱ میلیون و ۱۶۰ هزار و ۸۸۷ نفر رسیده است و این آمار نشان می دهد در طول این حدود ۸ سال تنها ۵۴۲ هزار و ۳۰۸ نفر به جمعیت شاغلان کشور افزوده شده است. البته آمارهای غیر رسمی تاکید دارند طی سال های گذشته تنها ۷۱ هزار شغل ایجاد شده است (خدابخشی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۹-۱۱۲).

تورم:

نرخ تورم که در سال ۱۴۰۸، ۱۴ درصد بود در پایان سال ۹۱ به حدود ۳۱ درصد رسید که در ۳۰ سال گذشته بی سابقه بود و حتی در سال‌های جنگ هم تجربه نشده بود طبق آمار بانک مرکزی تورم نقطه به نقطه هم در سال ۹۱، ۴۶٫۶ درصد و این عدد در فصل بهار به ۳۸ درصد رسید بنابراین نتیجه شعار آوردن نفت بر سر سفره مردم تورم ۴۰ درصدی و رشد منفی اقتصاد اقتصاد بود (کار و جامعه، ۱۳۹۲: ۴-۱۴)

ضریب جینی:

ضریب جینی متغیری است که وضعیت نابرابری درآمدی را نشان می‌دهد و هر چه بالاتر باشد، وضعیت نابرابری بدتر است. میانگین این متغیر برای دولت‌های یازدهم، نهم، ششم و پنجم تقریباً شبیه به هم بوده است. کمترین دوره برای نابرابری برحسب ضریب جینی در دولت دهم بوده و بالاترین آن برای دولت هشتم است. کاهش ضریب جینی در دولت دهم از سال ۱۳۸۶ رخ داده و بجز یک مورد افزایش در سال ۱۳۸۸، تا سال ۱۳۹۰ روند کاهشی داشته است. کاهش شدید ضریب جینی طی سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ تا حدود زیادی متأثر از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و توزیع یکسان یارانه نقدی به خانوارهای ایرانی بوده است. از آن جهت که یارانه پرداختی به همه گروه‌های درآمدی پیکان بوده، این یارانه وضعیت دهک‌های پایین درآمدی را نسبت به دهک‌های بالاتر بیشتر بهبود داده، زیر سهم بالایی از درآمدها را آنها داشته و در نتیجه هزینه‌های این دهک به یکباره افزایش قابل ملاحظه داشته است. با افزایش تورم ناشی از آثار این بهبود در وضعیت توزیع در آمد به مرور زمان از بین رفته است (خاندوزی، کاویانی، ۱۳۹۶: ۷)

در حقیقت پرداخت یارانه‌ها به دلیل تزریق پول نقد به اقشار ضعیف در کوتاه مدت توانست در بهبود ضریب جینی موثر واقع شود اما در نهایت آثار تورم زای بلند مدت آن به افت شدید ضریب جینی در دوولت بعدی یاری رساند

شاخص فلاکت:

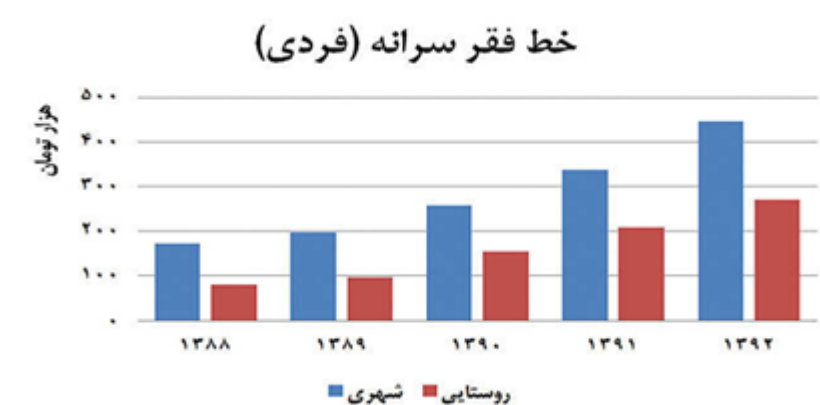
شاخص فلاکت برابر با مجموع نرخ تورم و نرخ بیکاری است. این مفهوم برای اولین بار در سال‌های ۱۹۷۰ به منظور نشان دادن میزان سلامت یک اقتصاد توسط آرتور اوکان مطرح گردید. عدد بیشتر در اینجا به معنای آن است که مردم احساس سختی بیشتری دارند. هرگاه شاخص فلاکت افزایش یابد به این معنی است که یا تورم افزایش زیادی یافته یا نرخ بیکاری یا هر دو آن‌ها با هم دیگر افزایش داشته اند. اما در هر حالت سطح بالای این شاخص نمایان گر وضعیت نامطلوب سلامت اقتصاد در هر کشوری است. (اقتصاد نیوز، ۱۴۰۰)

بررسی آمارها نشان می‌دهد در دولت نهم نرخ فلاکت با روند رو به رشد از ۲۱,۹ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۳۵,۸ درصد در سال ۱۳۸۷ رسید. یک سال بعد نرخ فلاکت با کاهشی ۱۳ درصدی نسبت به سال قبل (سال ۱۳۸۷) به ۲۲,۷ درصد رسید اما اقتصاد ایران در ادامه با روند رو به رشد نرخ فلاکت مواجه شد و از ۲۲,۷ درصد در سال ۱۳۸۸ به ۴۲,۷ درصد در سال ۱۳۹۱ رسید. در مجموع نرخ فلاکت در هشت سال فعالیت دولت محمود احمدی نژاد دو برابر شد و از ۲۱,۹ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۴۲,۷ درصد در سال ۱۳۹۱ رسید. یک سال بعد یعنی سال ۱۳۹۲ در حالی دولت دهم به دولت یازدهم منتقل شد که نرخ فلاکت در این سال به بیشترین مقدار خود طی ۱۳ سال اخیر یعنی ۴۵,۱ درصد رسید. (تجارت نیوز، ۱۳۹۷)

خط فقر

بررسی‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ فقر غذایی در شهرها هفت برابر و در روستاها هشت برابر شده است. کارشناسان اجتماعی و اقتصادی ۱۰ سال مورد اشاره را یکی از ده‌های سیاه افزایش میزان فقر در جامعه می‌خوانند و هنوز شاخص‌های فقر در ایران بهبود نیافته است.

اکثر محققان در خصوص نیاز به تعریف فقر اتفاق نظر دارند اما تعریفی که بیش از سایرین مورد توافق است این است که در یک کشور در حال توسعه ممکن است فقر به معنی محرومیت از امکانات تلقی شود که برای ادامه حیات ضروری است نظیر غذا، مسکن، دارو. در حالیکه در یک کشور توسعه یافته بر محرومیت نسبی از شرایط و امکانات یک زندگی متوسط دلالت دارد. با این حال پژوهشکده مرکز آمار در تازه‌ترین گزارش خود، آخرین اطلاعات موجود در رابطه با خط فقر را اعلام کرده و از هفت برابر شدن فقر غذایی در شهرها و هشت برابر شدن آن در روستاها طی ۱۰ سال که هشت سال آن در دوره احمدی نژاد بوده خبر داده است. به گواه این آمارها سال ۹۲، بدترین سال برای خانوارهای فقیر بوده است؛ فقرا فقیرتر شدند و افراد بیشتری از طبقه متوسط به این قشر پیوسته‌اند، به طوری که خط فقر ماهانه سرانه از ۹۱ هزار تومان در سال ۱۳۸۳ به ۷۱۴ هزار تومان در سال ۹۲ رسیده که با ضریب ۰/۱۹۰ بالاترین حد نوسان در این سال‌ها را تجربه کرده است.



نتیجه گیری

تامین کسری بودجه افزایش حقوق کارمندان یا کمک نقدی به اقشار آسیب پذیر جامعه با چاپ پول شاید در نگاه اول موضوع جذابی به نظر برسد اما می تواند به خاطر افت ارزش پول باعث ایجاد تورم در جامعه شده و موجبات تخریب شرایط کسب و کار و کاهش در آمد را به دنبال داشته باشد. خالص دارایی های شبکه بانکی در هشت سال دولت ها نهم و دهم از ۳۲.۷ هزار میلیارد تومان به ۸۱٫۱ هزار میلیارد تومان رسید و به این ترتیب این شاخص در دولت های محمود احمدی نژاد ۲/۵ برابر شد. معنی ساده این اتفاق این است که این دولت ها در هشت سال گذشته حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان پول (سکه و اسکناس) چاپ و روانه اقتصاد ایران کرده است. نکته جالب این است که دولت های قبل و بعد از انقلاب اسلامی ۳۲ هزار میلیارد تومان پول چاپ کردند در حقیقت این اقدام دولت های نهم و دهم با هدف کسب درآمد جهت تامین کارهای طاهرا عدالت خواهانه و عام المنفعه دولت صورت گرفت اما نتیجه ای که از آن حاصل درست عکس هدف اصلی آن بود. تورم یکی از حادترین مشکلات و معضلات اقتصادی کشورهای مختلف از جمله ایران می باشد کم از جمه آثار آن می توان به عدم ثبات اقتصادی، فقر، کاهش نرخ رشد اقتصادی و به تبع آن کاهش سطح رفاه عمومی و افزایش نابرابری در توزیع درآمد اشاره نمود. سیاست واردات برای مهار تورم یکی از مهم ترین سیاست هایی می باشد که دولت نهم (و دهم) از آن برای کاستن از موج فزاینده تورم استفاده کرد. مساله ای که همواره اقتصاد دانان به سیاستمداران هشدار داده اند زیرا واردات در نهایت و با گذشت چند سال سیستم تولیدی را فلج می کند و از بین رفتن تولید کالاها چیزی جز تورم رکوردی در آینده در بر نخواهد داشت. یکی دیگر از مواردی که باعث عدم تحقق عدالت اجتماعی در دولت نهم و دهم شد تصمیمات غیر کارشناسی دولت احمدی نژاد در عرصه اقتصاد که بدون توجه به اصول علمی و بنیادهای علم اقتصاد صورت می

گرفت، است. همچنین حذف سازمان مدیریت و برنامه ریزی یکی از اقدامات غیر کارشناسی دولت احمدی نژاد بود که تاثیرات منفی زیادی بر اقتصاد داشت. به طور کلی می توان پیامدهای ادغام سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور را در چهار دسته کلی مشتمل بر عوامل سیاسی - اجتماعی، عوامل ساختاری - محتوایی، عوامل اقتصادی و عوامل اداری تقسیم بندی و تعریف کرد. عمده پیامدهای ناشی از ادغام سازمان بر عامل سیاسی - اجتماعی بر حوزه آسیب های اجتماعی و مسائل طبقاتی اثر گذار بوده است.

احمدی نژاد در هر سفر استانی خود، ۱۰۰ تا ۲۰۰ مصوبه ناکارآمد داشت که فقط تبدیل به بار مالی برای دولت های بعد خود شد و هیچ گره ای از مشکلات کشور باز نکرد. سیاست هایی که با محوریت عوام فریبی باعث شد براساس آمارهای سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، نزدیک به ۳ هزار طرح عمرانی نیمه تمام از دولت قبل به دولت بعدی منتقل شود و ۴۰۰ هزار میلیارد تومان بار مالی روی دوش اقتصاد به جا بگذارد. در نتیجه دولت بعد ماند و صدها پروژه بزرگ عمرانی که برای اتمام اصولی شان، ۲۰ سال زمان لازم بود. بر اساس گزارش بانک مرکزی از سال ۱۳۸۴ تا پایان سال ۱۳۹۲ حدود ۱۶۰ هزار میلیارد تومان صرف هزینه های عمرانی شده است اما بیش از ۹۰ درصد طرح های عمرانی که با صرف این هزینه ها باید پایان می یافتند، تمام نشدند و تمام بودجه آنها خرج امور نامعلومی شده است.

همچنین در خصوص اجرای طرح مسکن مهر مشکلات زیادی وجود داشت از جمله اینکه تخصیص منابع به مسکن مهر، به طور غیر اصولی صورت گرفت و نتیجه این شد که تورم بسیار بالا رفت و در نهایت، قدرت خرید همه مردم ایران، از جمله خریداران مسکن های مهر به طرز ملموسی سقوط کرد. و مسکن مهر از یک خدمت عمومی به یک پروژه شعاری و سیاسی تبدیل شد که باعث شد دولتمردان وقت، برای بالا بردن آمار و تحویل سریع تر مسکن های مهر، از کیفیت ساخت و سازها بکاهند. همچنین جانمایی مسکن های مهر، در برخی شهرها، غیر اصولی بود. بردن مسکن مهر به وسط بیابان ها یا بالای کوه ها از جمله انتقادات وارده، به این طرح است. و در آخر رشد نقدینگی و افزایش قیمت مصالح ساختمانی شرایط را برای رانت، بورس بازی و داللی مسکن شهری فراهم کرد که نتیجه آن افزایش اندوخته های مالی اقشار با درآمد بالا و از دسترسی خارج شدن مسکن برای گروه های با درآمد پایین بود.

البته در این میان افزایش تحریم ها در یکی دو سال آخر دولت دهم موجب شد این دولت بدون توجه به تبعات اقتصادی این اقدام جهت جبران کسری بودجه به افزایش قیمت ارز بپردازد و این به دلیل تاثیری که بر افزایش قیمت ها داشت اثری کاملاً ناعادلانه بر زندگی اقشار ضعیف جامعه گذاشت.

منابع و مآخذ:

- ابونوری، اسماعیل و همکاران (۱۳۸۹) اثر سیاست‌های مالی بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران: رهیافتی از روش خود رگرسیون برداری، **پژوهشنامه اقتصادی**، دوره ۱۰، شماره ۳
- غلامی، الهام، هژبر کیانی، کامبیز (۱۳۹۵) بررسی کارایی سیاست‌های مالی انبساطی در ایران: مقایسه تطبیقی الگوی var خطی و آستانه ای، **فصلنامه اقتصاد مالی**، دوره ۱۰، شماره ۳۵، تابستان
- صامتی، مرتضی و دیگران (۱۳۸۲) جهت‌گیری مناسب هزینه‌های جاری و عمرانی دولت به منظور دستیابی به رشد بهینه اقتصادی در ایران، **فصلنامه پژوهش اقتصادی ایران**، دوره ۵، شماره ۱۵.
- **اقتصاد نیوز** (۱۳۹۳)، کلنگ‌های میلیاردی احمدی نژاد، ۲۴ تیر
- **روزنامه شرق** (۱۴۰۰)، بار مالی ۵۰۰ هزار میلیاردی کلنگ زنی های احمدی نژاد: گفتگو با دژپسند معاون سابق امور اقتصادی سازمان برنامه و بودجه، ۳ بهمن شماره ۵۳۷۲
- توکلی، احمد، ۱۳۸۶، با طرح‌های ناتمام عمرانی چه کنیم، **پژوهشنامه اقتصادی**، دوره پاییز، شماره ۲۶.
- گیلاتی، شهرام، جلالی محمدرضا (۱۳۸۸)، بنگاه‌های کوچک و زود بازده و تاثیر آن بر توسعه اقتصادی ایران، **مجله بانک و اقتصاد**، شماره ۱۰۲، آبان
- **تجارت فردا** (۱۳۹۲)، اعلام شکست طرح بنگاه‌های زود بازده، ۲۸ اردیبهشت
- **بصیرت** (۱۳۹۲)، تصمیم‌های نامتعارف احمدی نژاد، ۱۰ شهریور
- **روزنامه دنیای اقتصاد** (۱۳۹۱)، سرانجام بنگاه‌های زود بازده، شماره ۲۷۹۷، ۹ آذر
- پرستش، نسرين (۱۳۸۹)، انواع روش‌های هدفمندی یارانه‌ها با تاکید بر روش انتخاب شده در ایران، **ماهنامه مجله اقتصادی**، شماره ۱۰۹ و ۱۰۹ آذر و دی
- **ایسنا** (۱۳۹۴)، هدفمندی یارانه‌ها ۵ ساله شد، ۲۸ آذر
- **خانه ملت** (۱۳۹۱)، بوی رضایت از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها به مشام نمی‌رسد، ۲۸ آذر
- بیگی، سحر و دیگران (۱۳۹۲) اثر هدفمندی یارانه‌ها بر فقر و بیکاری، **اولین همایش الکترونیکی ملی چشم انداز اقتصاد ایران** «با رویکرد حمایت از تولید ملی»، ۲۸ آذر
- جعفرزاده، امیر، (۱۳۷۸)، مهار تورم با تورم واردات، **ماهنامه گزارش**، شماره ۲۰۳، آذر
- **خبرآنلاین** (۱۳۹۶)، مقایسه صادرات و واردات در دولت‌های روحانی و احمدی‌نژاد، ۲۶ فروردین
- حسینی، مینا (۱۳۸۶)، آسیب شناسی برنامه سهام عدالت در روند خصوصی سازی، **اطلاعات سیاسی اقتصادی** شماره ۲۴۲
- برابری، باذر (۱۳۹۸)، طرح سهام عدالت لزوم اصلاح روندها، **ماهنامه بازار و سرمایه**، مرداد و شهریور، شماره ۱۰۹
- **اقتصاد آنلاین** (۱۳۹۲)، رکورد تاریخی احمدی‌نژاد در چاپ پول، ۱۱ مهر
- **ایرنا** (۱۳۹۹) چاپ پول چپاول ارز و بیماری مزمونی که وخیم شد، ۷ مرداد
- **ایسنا** (۱۳۹۷)، قیمت خانه بعد از مسکن مهر حدوداً ده برابر شد، ۱۸ بهمن
- نصراللهی خدیجه، آزاد غلامی اعظم، (۱۳۹۲)، تاثیر تسهیلات بانکی در قیمت مسکن در کلان شهرهای ایران، **فصلنامه روند**، سال بیستم، شماره های ۶۳ و ۶۴، پاییز و زمستان
- **اقتصاد آنلاین** (۱۳۹۶)، احمدی‌نژاد یک‌شنبه مسکن مهر را ۷۵ برابر کرد، اردیبهشت ۲۴
- **فارس نیوز** (۱۳۹۷)، جهش قیمت دلار و واکنش دولت‌های مختلف، ۸ مرداد
- -، (1387) ، سبهران کسری بودجه با افزایش قیمت ارز، ماهنامه گزارش، سال هفدهم، آذر
- خدابخشی، لیلی و همکاران (۱۳۹۷)، مقایسه شاخص‌های عملکرد اقتصادی دولت ایران در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد با حسن روحانی، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، زمستان
- **ماهنامه اجتماعی، اقتصادی**، علمی و فرهنگی کار و جامعه، (۱۳۹۲)، گزارش عملکرد صد روز دولت در بخش اقتصادی شماره ۱۶۳
- خاندوزی، سید احسان، کاویانی زهرا (۱۳۹۶)، تصویری از عملکرد اقتصاد کلان در دولت‌های مختلف، گزارش شماره ۱۵۳۷۲ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۹ اردیبهشت
- **تجارت نیوز** (۱۳۹۷)، «فلاکت» دوران روحانی در یک قدمی دوران احمدی‌نژاد، ۱۴ مرداد
- **اقتصاد نیوز** (۱۳۹۷)، رکورد دولت احمدی‌نژاد در شاخص فلاکت، ۱۴ دی
- مهریانی، فاطمه، (۱۳۹۴)، بررسی هدفمند کردن یارانه‌ها بر بخش‌های مختلف اقتصاد و ارائه راهکارهایی برای کاهش این پیامدها، **فصلنامه اقتصاد و توسعه و برنامه ریزی**، پاییز و زمستان، شماره ۲
- سهیلی، کیومرث و دیگران (۱۳۹۵)، اثر هدفمندسازی یارانه‌ها بر ترکیب هزینه‌ای خانوارها در ایران، **فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی**، پاییز، شماره ۳
- برادران، مراد و دیگران (۱۳۹۸)، دولت و سیاستگذاری مسکن در ایران بعد از انقلاب اسلامی، **فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، شماره ۳۸، بهار
- **ایرنا** (۱۳۹۹)، واکاوی دلایل و پیامدهای انحلال سازمان برنامه و بودجه، ۲۳ تیر
- **ایرنا** (۱۳۹۳)، اجرای ناقص هدفمندسازی یارانه‌ها عامل تشدید سایه شکاف طبقاتی در جامعه، ۱۳ دی
- مطبوعی، مسعود و دیگران (۱۳۹۹)، تحلیل مقایسه‌ای سیاست اجتماعی - رفاهی دولت‌های پایداری و تدبیر و امید در حوزه مسکن، **فصلنامه پژوهش‌های جامعه شناختی**، سال چهارم، زمستان

- قریدمن، میلنون (۱۳۹۵)، رشیدی غلامرضا، سرمایه داری و آزادی، تهران، نشرنی
- لانساف، مایکل ایچ (۱۳۸۵)، فیلسوفان سیاسی قرن بیستم، دهبیمی، خشایار، تهران، نشر کوچک
- علویان، مرتضی، مختاری، جمال (۱۳۹۶)، مسئله عدالت در آرا جان رالز و شهید بهشتی، فصلنامه سیاست، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار
- سیمیر، رضا و همکاران (۱۴۰۱)، تاثیر دولت رانتیر بر تحقق حکمرانی مطلوب در دولت احمدی نژاد و روحانی، فصلنامه پژوهش های بین الملل، دوره ۱۲، شماره ۴۷، زمستان
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و همکاران (۱۳۹۹)، اقتصاد سیاسی پوپولیستی: بررسی سیاست های اقتصادی دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد، دوره ۳، شماره ۲.